



مرکز تحقیقات اسلامی


اصفهان

گامی



عمران
علیه السلام

www.ghaemiyeh.com
www.ghaemiyeh.org
www.ghaemiyeh.net
www.ghaemiyeh.ir

A portrait of Ayatollah Khomeini, an elderly man with a long white beard and a black turban, looking slightly to the left. The background is a light purple with a subtle geometric pattern.

نقش امام خمینی (ره)
در احیای تفکر دینی
متأثر از عاشورا

الهمد هادیان رستایی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

نقش امام خمینی در احیای تفکر دینی متأثر از عاشورا

نویسنده:

الهه هادیان رستانی

ناشر چاپی:

مجهول (بی جا ، بی نا)

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۶	نقش امام خمینی (ره) در احیای تفکر دینی متأثر از عاشورا
۶	مشخصات کتاب
۶	نقش امام خمینی در احیای تفکر دینی متأثر از عاشورا
۲۵	پاورقی
۲۷	درباره مرکز

نقش امام خمینی (ره) در احیای تفکر دینی متأثر از عاشورا

مشخصات کتاب

نوع: مقاله

پدیدآور: هادیان رستانی، الهه ۱۳۵۲-

عنوان و شرح مسئولیت: نقش امام خمینی (س) در احیای تفکر دینی متأثر از عاشورا [منبع الکترونیکی] / الهه هادیان رستانی

توصیف ظاهری: ۱ متن الکترونیکی: بایگانی HTML؛ داده های الکترونیکی (۴ بایگانی: ۴۸.۲KB)

موضوع: قیام عاشورا

تاریخ تشیع

اندیشه سیاسی امام خمینی (ره)

امام خمینی (ره)

حسین بن علی (ع)، امام سوم

نقش امام خمینی در احیای تفکر دینی متأثر از عاشورا

«رهبر عالیقدرمان امام خمینی عاشورای ما را زنده کرد و حسین بن علی (ع) را از آن زوایای تاریک که گرد و غبار رفتار ناهنجارمان در طول قرون، چهره تابناکش را پشت ابرهای تیره مخفی کرده بود، وارد صحنه کرد.» [۱]. «در روزگاری که می رفت تا در زیر چکمه استعمار، مکتب رهایی بخش اسلام محو و نابود گردد و در زمانی که خفقان و شکنجه به حد نهایت خود رسیده بود و بهترین فرزندان این امت را به کام مرگ فرومی برد، آری، امام بود که چون حسین (ع)، پرده های اوهام را برید و ظلمات جهالت و بیداری را زدود و چهره ی زیبای حق را آشکار کرد. او با نیروی یزدانی و با دست خدایی خویش، قدرت بیداد و ستم را شکست. او حسینی بود که در صحنه کربلا، آرایش عشق کرد و عاشورا را به ملایک عرضه داشت. مردی که چون کوه، دامن بر کمر زد و چون مراد و آموزگارش حسین (ع) گردن تسلیم در برابر بیدادگران فرود نیاورد و به حسینیان زیادی درس فداکاری داد. دانش آموزی که در جبهه های نبرد حق با باطل و به هنگام شهادت، نام حسین را بر زبان می آورد، آخرین کلامش حسین بود نه پدر یا مادر؛ چه آنکه شاگرد مکتب حسین (ع) بود. آخرین پیامش امام و لزوم حمایت

از او بود. براستی امام چه کرده بود؟ امام خمینی (ره) اول کسی بود که نخست تعالیم اسلام را در وجود خویش پیاده کرد و سپس آن را به دیگران آموخت. اگر می گفت «انا لله و انا الیه راجعون» خود اعتقاد داشت که از خداست. او خدا را با چشم دل دیده بود، همچنانکه حسین (ع) خدا را دیده بود. او خدا را با قلب شهود کرده بود. او کسی بود که به پیروی از مولایش علی (ع) و فرزندش حسین (ع) روزها همچون شیر، علیه هر چه ظلم و بیداد است می غرید و شبها در محراب عبادت از شدت زاری بیهوش می شد. امام، نهضت را چون امام حسین (ع) میدان به میدان جلو می برد. جوان ما، چشمانش را از دست می داد، اما می گفت: «شکر خدایی را که این منت بر من نهاد تا چشمانم را در راه خمینی از دست بدهم.» و یا با از دست دادن پاهایش می گفت: «کاش پای دیگری داشتم و آن را در راه او از دست می دادم» چه آنکه او، حسین (ع) را در چهره ی امام دیده بود. به کلامی از شهید والا مقام استاد مرتضی مطهری درباره امام خمینی (ره) اشاره می کنیم: ناگهان صاعقه ای رعد آسا بر آسمان کفر و جهالت زده شد و ریشه های ظلم و فساد را سوزاند و شب تاریک مستضعفین سراسر جهان را، چون روز روشن کرد، و از این میان فرزندی شایسته از تبار حسینیان، یعنی بت شکن، ظهور کرد و با قیام خود چنان لرزه ای بر اندام فرعونیان تاریخ انداخت که هیچ طاغوتی را یارای مقابله با او نماند. آنگاه ندا سر داد که:

«ای جوانان عزیزی که چشم امیدم به شماست، با یک دست قرآن و با دست دیگر سلاح بگیرید و آنچنان از حیثیت و شرف خود دفاع کنید که قدرت هر گونه تفکر را از آنان سلب کنید...» [۲]. امام خمینی (ره) در مکتب حسین بن علی (ع) درس خوانده بود، چنانکه مکتب فضیلت اخلاقی او را گشود و با ذکر نام و مجد و عظمت او، قیامی مردمی و افتخاری عظیم در طول تاریخ بنیان نهاد. او نهضتی را در سرزمین فقر به وجود آورد و با این معجزه عظیم خویش، بشر را احیا کرد. امام خمینی (ره) عیسایی بود که مردگان را زنده کرد. او موسایی بود که معجزه کرد و به قول رهبر معظم انقلاب اسلامی حضرت آیت الله خامنه ای: «او آن روح الله بود که با عصا و ید بیضاوی موسوی و بیان و فرمان مصطفوی، به نجات مظلومان کمر بست. نخست فرعونهای زمان را لرزاند و دل مستضعفان را به نور امید روشن ساخت. او به انسانها کرامت و به مؤمنان عزت و به مسلمانان، قوت و شوکت، و به دنیای مادی و بی روح، معنویت و به جهان اسلام، حرکت و به مبارزان و مجاهدان فی سبیل الله، شهامت و شهادت داد. او بتها را شکست و باورهای شرک آلود را زدود.» [او] امام خمینی [به صراحت اعلام کرد، تنها اسلام نجات بخش شماست. او جهاد اسلامی را مطرح کرد، امر به معروف و نهی از منکر را مطرح کرد. وظیفه نوعی و دینی و بالاخره اجر و پاداش شهیدان را مطرح کرد، و مردمی که سالها این آرزو را که در زمره یاران

حسین (ع) باشند در سر می پروراندند و هر صبح و شام تکرار می کردند «یا لیتنی کنت معکم فافوز فوزا عظیما» به ناگاه خود را در سرزمینی مشاهده کردند آنچنانکه گویی حسین (ع) را بعینه می دیدند. «انیا محییانی اند که در طول تاریخ، به بشر جان می دهند و دیگر محییان به دنبال آنها می آیند. در طول تاریخ، کوششها و تلاشهای زیادی راجع به دین شده است و حرفها و بحثهای زیادی در این مورد به میان آمده است، اما هر تلاش و بحثی در دین را نباید به حساب احیاگری گذاشت. در نظری به احیاگری دینی ایران توسط حضرت امام (ره)، و تفاوت آن با انواع کوششهای احیاگران دیگر و از قوه به فعل، و از نظر به عمل در آوردن اندیشه های مثبت بود. او نقشه های نظری را که سالیان دراز در اذهان بسیاری خنور کرده بود، به تصویر کشید و به آن روح و جان بخشید و در یک کلام، امام خمینی (ره) به اسلام جامه عمل پوشاند. امام خمینی (ره) احیاگر عاشورا بود و به گفته رهبر معظم انقلاب حضرت آیت الله خامنه ای: «این انقلاب بی نام امام، در هیچ جای دنیا شناخته شده نیست.» انقلاب، بی اسم امام، به جسمی می ماند که تحرک ندارد. امام، سکاندار انقلاب و به عبارتی قطب نمای این کشتی بود. حضرت آیت الله خامنه ای با تأکید بر این نکته که عظمت نظام جمهوری اسلامی ایران در دنیا، همواره از نام و یاد امام نشأت می گیرد، می فرماید: «عظمت و ابهت جمهوری اسلامی ایران در دنیا، همواره با نام امام مطرح بوده است و دوستان و دشمنان ما در رفتار و عمل خود، این مسئله

را مکرر نشان داده اند. امام خمینی (ره) با استوار ساختن احکام دین، امر به معروف و نهی از منکر، ایجاد وحدت و اتحاد میان جوامع اسلامی، تجدید عهد نسبت به مقام شامخ ولایت و امامت و قیام برای دفاع از حق و حقیقت، سنت جدش حسین بن علی (ع) و فرهنگ عاشورا و دین را احیا کرد. احیای دین، با درک و تفکر و شهادت و خون صورت می گیرد و علم پس از خون می آید. لذا تا انسان، انس با مرگ پیدا نکند، علمش کارساز نخواهد بود. در زمان امام حسین (ع)، دین به این دلیل در معرض خطر بود که کسی چون یزید بر سر کار بود و امام حسین (ع) که این وضعیت را می دید و شاهد بدعت گذاری بنی امیه بود و احساس می کرد که بر مسند خلافت نشسته است، مبانی اسلام را زیر سؤال می برد، قیام کرد. در هر جامعه ای نیاز است که عده ای از انسانها دارای شعور سیاسی و دینی بیش از دیگران باشند و باصطلاح معروف، عده ای موی بینند و عده ای پیچش موی. چه آنکه در پیچش موی بسیاری از واقعیتها روشن می شود. لذا امام حسین (ع) با دیدن آن واقعیتها در جامعه برای احیای اصل اسلامی امر به معروف و نهی از منکر پیا خاست و همین هدف بود که به نهضت حسین (ع) ارزش داد و امام حسین (ع) نیز به آن ارزش بخشید. اکنون در سیر عاشورا باید دید که آیا امام حسین (ع) توانست در مسیر خود دین جدش را احیا کند؟ آیا واقعا هر کس که کشته می شود، شکست خورده است؟ آیا نهایت و غایت، احیای یک مسئله است، یا اینکه

همیشه زنده ماندن و پیروزی را دیدن؟ آیا واقعا امام حسین (ع) در آن مقطع، به قول دشمنان شکست خورد؟ و یا دین با شهادت امام حسین (ع) احیا شد؟ و اگر امام حسین (ع) قیام نمی کرد آیا دین احیا نمی شد؟ امام خمینی (ره) بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران می فرماید: «این حسین بن علی (ع) است که جهت حفظ آیین آسمانی اسلام، واژگون ساختن کاخ استبداد و دیکتاتوری و قانون شکنی، در هم کوبیدن کاخ خیالی و پوشالی نژاد پرستی که اسلام خط بطلان روی آن کشیده بود و مجددا به دست بعضی از حکام سیاسی اسلام زنده گردیده بود، و بالاخره احیای اصول حق و عدالت که با گسترش سلطه بنی امیه، خوف آن می رفت به کلی برچیده شود، قیام کرد و جهت برقرار ساختن نظام عادلانه ی اسلامی، توسعه و بسط عدالت اجتماعی شهید گردید. در آن روزهای سیاه مردم ظاهرین، حضرتش را شکست خورده و دشمن وی را غالب می پنداشتند، ولی حوادث بعدی ثابت کرد و نشان داد که سرور شهیدان سوخت و ساخت و چراغی تابنده و پرضیا فرا راه مسلمانان، با خون طاهر و مقدس خویش برافروخت. راه و رسم فداکاری، آزادی، شهادت، جانبازی و تسلیم نشدن در برابر ستمگران را به نسلهای مسلمان آموخت، پرده از چهره منحوس و قیافه وحشتناک و هول انگیز دشمن خدا و خلق خدا برگرفت، هرچه بیشتر او را رسوا ساخت تا مسلمانان ماهیت دودمان ننگین بنی امیه را به خوبی شناختند و با الهام گرفتن از مکتب، نهضت و یاران باوفایش، دست به قیامها و حرکت‌های پی در پی زده و پس از مدتی کوتاه، آخرین بقایای شجره

خیبته را از بیخ و بن برافکندند. شهدای عظیم کربلا، سرود پیروزی خونرننگ خود را در خیمه تاریخ نواختند و بزرگترین سرمشق را به جهان اسلام بلکه همه آزادیخواهان و مسلمین عالم دادند. ارواح بزرگ و با عظمت آنها بر بال و پر فرشتگان در ابدیت و در فروغ جاویدان به حرکت درآمده و با خون مقدس خود سطوری درخشان بر پیشانی تاریخ اسلام نوشتند که برای انقلابها، حماسه ای جاوید و پرشور باشد.» [۳]. امام حسین (ع) وقتی در آن برهه ی حساس می دید که اگر قیام نکنند، یزید همچنان بر سر کار خواهد ماند و سرانجام او را خواهد کشت؛ کما اینکه به حاکم مدینه دستور داده بود که اگر حسین (ع) بیعت نکرد، او را به شهادت برساند، و یا چنانکه در مکه می خواستند او را به شهادت برسانند. لذا آن حضرت حج اصلی را رها کرد، تا به مسلمین بگوید آنجایی که طاغوت بر سر کار است، حج نیز نمی تواند مورد قبول باشد. آنجایی که کعبه به عنوان بتی جدید مورد پرستش قرار می گیرد و خدای کعبه در حال فراموش شدن است، چگونه ممکن است حج قبول شود. بر این اساس باید این فریضه اصلی را قربانی کرد. امام حسین (ع) از عرفه حرکت کرد و با این حرکت، حقیقتی را به دنیا تعلیم داد. او با این قیام، بذر همت در جهان افشاند و به اهل جهان نشان داد که مرگ با عزت از زندگی در ذلت بهتر است. به قول استاد شهید مرتضی مطهری: «حسین بن علی (ع) با آن جانبازی که کرد، اسلام را تجدید حیات و درخت اسلام را با

ریختن خون خود آبیاری نمود. اشهد انک قد أقتم الصلوه و آتیت الزکوه و امرت بالمعروف و نهیت عن المنکر و جاهدت فی الله حق جهاده: شهادت می دهم که تو اقامه نماز کردی و ذکات دادی و امر به معروف و نهی از منکر کردی و در راه خدا جهاد نمودی و حق جهاد را به جا آوردی. اما چه رابطه ای میان شهادت حسین بن علی (ع) و نیرو گرفتن اسلام و زنده شدن اصول و فروع دین وجود دارد؟ اگر شهادت حسین بن علی (ع) صرفاً یک جریان حزن آور می بود، اگر صرفاً یک مصیبت می بود، اگر صرفاً این می بود که خونی به ناحق ریخته شده است و به تعبیر دیگر صرفاً نفله شدن یک شخصیت می بود و او شخصیت بسیار بزرگی، هرگز چنین آثاری را به دنبال خود نمی آورد. شهادت حسین بن علی (ع) حیات تازه ای در عالم اسلام دمید. بعد از شهادت امام حسین (ع) رونقی در اسلام پیدا شد. این اثر در اجتماع از آن جهت بود که امام حسین (ع) با حرکت قهرمانانه خود روح مردم مسلمان را زنده کرد». [۴]. امام حسین (ع) در تمام مسیر راه خود، هرگز نوید دروغ به کسی نداد، بلکه هدف خویش را اجرای امر به معروف و نهی از منکر بیان فرمود. امام خمینی (ره) نیز چون مولایش حسین بن علی (ع) در مسیر راه خود هرگز به کسی نوید دروغ نداد. به هیچ گروه سیاسی نگفت که اگر من رهبر شوم، شما نیز بر سر کار می آید. او برای مصلحت جامعه قیام کرد و همیشه نفع عمومی را بر منافع شخصی ترجیح داد. امام حسین

(ع) در شب عاشورا اصحاب و اهل بیتش را جمع کرد و فرمود: «بدانید که از همه شما متشکر و ممنونم، ولی بدانید که دشمنان با شما کاری ندارند، و اگر بخواهید بروید، مانع شما نمی شوند. من هم از نظر شخص خودم که با من بیعت کرده اید، بیعت خودم را از دوش شما برداشتم، هر کس می خواهد برود آزاد است.» امام خمینی (ره) نیز در لحظاتی که به پشتیبانی گروهی نیاز داشت، اعلام کرد که من احتیاج به گروه خاصی ندارم، این توده هاینده که قیام می کنند. امام اگر اهل مصالحه و سازش بود، بنی صدر را به عنوان فرمانده کل قوا در شرایطی که آبادان، خرمشهر، قصر شیرین و سر پل ذهاب در محاصره دشمن بود، بر کنار نمی کرد. در آن شرایط اگر امام، یک «آری» به آمریکا می گفت، صدام برای همه عمرش عقب نشسته بود، اما امام چون مولایش حسین (ع)، خود را در برابر دشمن ذلیل نمود و برنامه های زور بیگانه را اجرا نکرد. او با شعار «هیئات منا الذله» چون حسین بن علی (ع) سر تعظیم جز به خالق یکتا فرود نیاورد و تن به زیر بار ذلت دشمن نداد و طومار بردگی ملت را امضا نکرد و بر حکومت ننگین و پوشالی زمان مهر تأیید نزد. چنانکه مولایش حسین بن علی (ع)، شهادت را بر ننگ و ذلت بیعت با یزید ترجیح داد، و با صراحت فرمود: «لا والله لا اعطیهم بیدی اعطاء الذلیل و لا اقر اقرار العیید.» «نه به خدا قسم، من دست ذلت به این ناپاکان نخواهم داد و مانند بندگان در برابر آنها تسلیم نخواهم شد.» امام خمینی (س) یاران حقیقی

خود را حسین گونه برگزید. همانگونه که مورخان نوشته اند، امام حسین (ع) در شب عاشورا به ابوالفضل العباس (ع) فرمود: نزد دشمن برو و به آنها بگو که امشب را به ما مهلت دهند، چه آنکه امام می خواست در آن شب، یاران حقیقی خویش را برگزیند، چه آنکه: «در مسلخ عشق، جز به عشق نتوان رفت.» امام حسین (ع) یک هدف بیشتر نداشت. او خدا را داشت و می دانست که خدا، خون او را بیهوده نخواهد گذاشت. حکومت خونخوار ابوسفیان گمان می کرد که با کشتن امام حسین (ع) و یارانش و اسب تازاندن بر پیکرهای پاک و مطهر آن آزاد مردان، هیچ نشانی از آنها برای نسل آینده باقی نمی ماند و خاطره خاندان وحی برای همیشه محو و فراموش می شود. غافل از آنکه امام حسین (ع) و قیام خونین آن تا ابد، به صورت مکتبی الهامبخش، زنده خواهد ماند و این چراغ فروزان الهی، هیچگاه به خاموشی نخواهد گرایید. «یریدون أن یطفؤا نور الله بأفواههم و یأبی الله الا أن یتیم نوره و لو کره الکافرون.» «کافران می خواهند که نور خدا را به نفس تیره و گفتار جاهلانه خود خاموش کنند و خدا نگذارد تا آنکه نور خدا را در منتهای ظهور و حد اعلای کمال برساند، هر چند کافران، ناراضی و مخالف او باشند.» انسانیت تاریخ، هیچگاه این حادثه عظیم را فراموش نکرد، بلکه جلوه های عظمت حسین (ع) تا ابد، حرکت زاست و اصیل ترین قیامهای راستین جهان با الهام از نهضت حسینی برپا می شود، و هر چه می گذرد بر عظمت و شوکت قیام عاشورا به رهبری حسین بن علی (ع) افزوده می شود. در مجلس ابن زیاد، هنگامی که عیدالله

خطاب به زینب کبری (س) گفت: «کیف رأیت صنع الله بأخیک؟» یعنی: کار خدا با برادرت را چگونه دیدی؟ حضرت زینب (س) می‌دید که ابن زیاد با این سخن گویی می‌خواهد شهادت امام حسین (ع) و یارانش و پیروزی سطحی و موقتی خود را به حساب اراده و خواست خدا بگذارد، بپا خاست و با آگاهی کامل پاسخ داد: «ما رأیت الا جمیلاً» [۵] یعنی من از خداوند درباره برادرم جز نیکویی و جمال ندیدم.» کلام زینب کبری (س) به این معنا بود که امام حسین (ع) و یارانش، با آفرینش زیباترین لحظه‌ها، پیروز همواره تاریخ خواهند بود و آنان به هدف مقدس خویش رسیده‌اند. امام خمینی (ره) نیز عقیده داشت، در فرهنگ عشق اگر کشته شوی، پیروزی، و اگر پیروز شوی باز هم پیروزی. و این فرهنگ هم انقلاب ما را پیش برد و هم امام حسین (ع) را اسطوره‌ای کرد. آنچه که نام حسین (ع) را جاودانه ساخت و او را در صدر مقام انسانیت قرار داد، همان اساسی بود که هدف خویش را بر پایه‌ی آن استوار ساخته و برنامه‌ریزی کرده بود. او صفحات نورانی تاریخ زندگی قیام خود را سرمایه‌ای برای ملت‌های مسلمان قرار داد، تا از آن درس عظمت و بزرگی و فداکاری و عدم تمکین در مقابل ظلم و ستم بیاموزند و چون حسین بن علی (ع) در مقابل دستگاه جابر و ستمگر زمان بپاخیزند. امام حسین (ع) و یاران پاک او کشته شدند و زنان و فرزندان‌شان به اسارت رفتند، تا نام خداوند و زحمات انبیای الهی فراموش نشود و امت‌های بعد از او تن به ذلت و بردگی ندهند و

عدالت پیروز گردد. آری، این است هدف عالی حسین (ع) یعنی امر به معروف و نهی از منکر، مبارزه با ظلم و ستم، تسلیم نشدن در برابر بیدادگری حکومت ظالم زمان و زنده ساختن حق و نابود کردن باطل و نجات انسانیت از جهل و نادانی و ظلمت و گمراهی. خون حسین بن علی (ع) ریخته شد تا امت گمراه بصیرت یابد و درس آزادی و آزادگی را بهتر و بیشتر بیاموزد. فرهنگ حسینی هنوز حرکت زا و شور آفرین است. هنوز در آن سوی قاره آفریقا کشته می دهند نام حسین (ع) را بر زبان می آورند. به قول استاد شهید مطهری: «حسین بن علی (ع) در آن زمان یک سوژه بزرگ بود، هر کس که می خواست در مقابل ظلم قیام بکند، شعارش «یا لثارات الحسین» بود. امروز هم حسین بن علی (ع) یک سوژه بزرگ است، سوژه ای برای امر به معروف و نهی از منکر، برای اقامه نماز، برای زنده کردن اسلام، برای اینکه احساسات و عواطف عالیه اسلامی در وجود ما احیاء بشود.» [۶]. آری، حسین (ع) اسطوره ای بی مانند بود، همچنان که امام خمینی (ره) نیز با شخصیت بارزش اسطوره ای کم نظیر بعد از ائمه اطهار - علیهم السلام - به شمار می آید. رهبر معظم انقلاب اسلامی حضرت آیت الله خامنه ای، از امام خمینی (ره) اینچنین یاد می کنند: «امام خمینی شخصیتی آنچنان بزرگ بود که در میان بزرگان و رهبران جهان و تاریخ - بجز انبیا و اولیای معصومین (ع) - به دشواری می توان کسی را با این ابعاد و این خصوصیات تصور کرد. آن بزرگوار قدرت ایمان را با عمل صالح، و اراده پولادین را با

همت بلند، و شجاعت اخلاقی را با علم و حکمت، و صراحت لهجه و بیان را با صدق و متانت، و صفای معنوی و روحانی را با هوشمندی و کیاست، تقوا و ورع را با سرعت و قاطعیت، ابهت و صلابت رهبری را با رقت و عطوفت، و خلاصه بسی خصائص نفیس و کمیاب را که مجموعه آن در قرن‌ها و قرن‌ها به ندرت ممکن است در انسان بزرگی جمع شود، همه و همه را با هم داشت. الحق شخصیت آن عزیز یگانه، شخصیتی دست نیافتنی و جایگاه والایی انسانی او جایگاهی دور از تصور، و اساطیر گونه بود.» [۷]. امام خمینی (ره) به عنوان احیاگر عاشورا، با الهام از حرکت و قیام حسین بن علی (ع)، بنیان ظلم‌زمانه را فرو ریخت و با زنده کردن جنبه‌های ظلم و ستیزی و عدالت‌خواهی، به احیای اسلام ناب محمدی پرداخت و با ابعاد و جنبه‌های حقیقی قیام امام حسین (ع) را روشن کرد. او فرهنگ عاشورا و تفکر دینی متأثر از آن را احیا نمود و ارزشهای آن را در درون مسلمین جا انداخت. او به عنوان انسانی تکامل یافته و ادامه دهنده راه حسین بن علی (ع)، وظیفه سنگین حراست امت و پاسداری و احیای شریعت اسلام را در عصر حاضر و با مقتضیات و شرایط آن به خوبی انجام داد و پیام عاشوراییان را به مسلمین جهان منتقل کرد. او چون مولایش امام حسین (ع) با قیام و نهضت عظیم خویش، سند تداوم سنت احیای دین را امضا کرد. و در تعظیم شعائر عاشورا و حفظ و تداوم و تبیین شریعت اسلام و استمرار بخشیدن

به آن تلاش فراوان نمود. مکتب امام حسین (ع) دانشگاه وسیعی است که شاگردانش با ذکر مجد و عظمت نام او شور می آفرینند و با برافراشتن پرچم بر حق عاشورا و نثار خون خود، آزادی و آزادگی خود را به اثبات می رسانند. آری، صدای مجاهدت حسین (ع) و فداکاری او در راه دین تا قیامت به گوش همگان خواهد رسید. شخصیت بارز امام حسین (ع) آنچنان است که حتی رهبران و دانشمندان مذهبی، علمی و سیاسی غیر مسلمان درباره آن بزرگوار و فداکاری بی سابقه او در راه حمایت از نهضت‌های خویش قرار می دهند. چنانکه مهاتما گاندی رهبر فقید هند درباره آن حضرت گفته است: «من زندگی امام حسین آن شهید بزرگ اسلام را به دقت خوانده ام و توجه کافی به صفحات کربلا نموده ام و بر من روشن شده است که اگر هندوستان بخواهد یک کشور پیروز گردد بایستی از سرمشق امام حسین پیروی کند.» [۸]. امام حسین (ع) با عشق شور آفرید نه با پول و نیرنگ، در حالی که یزید و معاویه اهداف خود را با پول و نیرنگ به پیش بردند. فرهنگ حسین (ع)، فرهنگ عشق بود، و این امری است که امام خمینی (س) در وجود فرزندان ما ایجاد کرد. چنانکه نوجوان پانزده ساله، نارنجک به کمر می بندد و خود را به زیر تانک می افکند و عاشقانه به شهادت می رسد. امام خمینی (س) در کسانی تحریک ایجاد کرد که حتی در آستانه شهادت می گفتند: «اماما کاش می شد که در عشق تو هزاران بار می کشتند مرا و قطعه قطعه ام می کردند و تکه های تنم را می سوزاندند و خاکسترم را به باد می دادند و باز زنده می شدم و

دوباره این کار تکرار می شد.» [۹]. این همه برای آن بود که امام چیزی جز سخن حسین (ع) بر زبان نمی آورد. او بر قلبها حکومت می کرد، همچنان که حسین (ع) بر دلها حکومت می کرد. شهید ناصر آشوری صادقانه می گوید: «... پدر و مادر چشمان من هستند، ولی امام قلب من. بدون چشم می شود زندگی کرد، اما بدون قلب هرگز. من براساس پیروی از اوامر الهی ولایت فقیه، و برای خودسازی لازم دیدم به دانشگاه امام حسین (ع) بیایم، در این دانشگاه ناظم مولا امام زمان (عج) و درس شهادتین حسین (ع) و استاد خمینی بت شکن، مرا امتحان کردند و من در این امتحان موفق شدم و به سوی معبود می روم...» [۱۰]. جسم را می توان تحت فرمان در آورد، اما روح بشر را هرگز، مگر آنکه روح را با آن روح اصلی گره زده باشی و امام خمینی (س)، این را با آن گره زد. امام فاصله بین عرش و فرش را در نوردید و بشر را به عرش برد. ما اگر بخواهیم عرفان شهید را بررسی کنیم، باید آن را در میان شهیدان عارف خودمان جستجو کنیم؛ کسانی که با چشم فاطمه زهرا (س) را دیدند. کسانی که دقایق آخر، عطر می زدند و می گفتند: هنگامی که خونم می ریزد و بوی خون، بدنم را فرامی گیرد، نکند فاطمه زهرا (س) بر مزارم حاضر شود و بوی خون، او را ناراحت کند. او به این یقین رسیده بود که فاطمه زهرا (س) بر مزارش می آید. و این تحرک را امام در فرزندان ما ایجاد کرده بود. شهید محمد اسماعیل زاده در قسمتی از وصیت نامه اش می گوید: «... امروز و

هر روز این مملکت، عاشورا است، و پرچم دار این حرکت که حرکتی است به سوی خدا، خمینی است و ان شاء الله که خدا ما را از این امتحان که خود طالب آن بودیم، پیروز و مفتخر در آورد که برآستی هر آن که خمینی را دوست دارد، حسین (ع) را دوست داشته و هر آنکس که خمینی را یاری کند، حسین (ع) را یاری کرده... [۱۱]. جوانانی که در راه اسلام، جان می دادند، هر یک محیی اسلام و دین بودند. کمتر آسیبی خارج از دین به آن وارد می شود. همچنان که مسیحیت از درون تضعیف شد. بدیهی است عامل بزرگی که موجب تضعیف دین می شود «منیت» است، که به صورتهای مختلف ظهور می یابد. منیتی که در عالم، تجدد دارد اما دل دینی ندارد و امام خمینی (س) این عامل بزرگ را در میان امت و ملت اسلامی ما از بین برد. امام، «من» را به «ما» تبدیل کرد، هر چند که «ما بودن» بسیار سخت تر از منیت است و باید در راه آن بسیاری از منیتها را کنار گذارد. امام خمینی (س) هنگامی که می فرمود: سیدالشهدا شور آفرید و یا اگر می فرمود: هر روز ما عاشورا و هر زمین ما کربلاست، برای او دیگر فلسطین و اریتره و لبنان و عراق فرقی نمی کرد، اسلام برایش مرز نداشت؛ قدس هم جزو وجودش بود. امام بارها اعلام کرد که ما فقط به خاطر اسلام قیام می کنیم و به قول شهید حسین شعبانی: «... اگر اوراق تاریخ را ورق بزنیم، از هاییل و قایل گرفته تا امام حسین (ع) و تا حضرت مهدی (عج)، دو چیز مهم

نظرها را جلب می کند، دو گروه در مقابل هم، هاییل در مقابل قابیل، ابراهیم (ع) در مقابل نمرود، و موسی (ع) و عیسی (ع) در برابر فرعونیان، و حضرت رسول اکرم (ص) در برابر مشرکین، و این ستیز ادامه داشته تا امروز. در خطی که هایلیان و رسول اکرم (ص) و امام بودند، امام خمینی نیز هست و در مقابلش آمریکا، شوروی، اسرائیل و صدام و... هستند. شما راه خود را انتخاب کنید، یا کافر بوده و در خط شیطان و قابیل و نمرود و آمریکا و صدام باشید و یا در خط سرخ محمدی و در خط امام خمینی باشید. سنگ وسط راه نباشید. با این طرف و آن طرف...» [۱۲]. فاصله زمانی امام حسین (ع) و امام خمینی (ره) چهارده قرن بود و این فاصله را امام خمینی در نوردید، که به قول مولانا «بعد منزل نبود در سفر روحانی». امام فاصله بین عرش و فرش را پیمود و چون حسین (ع) آداب و رسوم دینی را زنده نگاه داشت و چون او، اسلام را زنده کرد. انقلاب امام حسین (ع) و انقلاب امام خمینی (س) هر دو برای احیای دین بود. در آن زمان حسین بن علی (ع) رهبری امت را بر دوش داشت و در این زمان، امام خمینی نایب بر حق امام زمان (عج)، و ایران همان کربلا و انقلاب اسلامی همان انقلاب حسینی است که: و کل یوم عاشورا و کل ارض کربلا». حضرت آیت الله خامنه ای رهبر معظم انقلاب اسلامی می فرمایند: «اولین کار بزرگ امام خمینی (س)، احیای اسلام بود. دومین کار بزرگ امام خمینی (س)، اعاده روح عزت به

مسلمین است. سومین کار بزرگ امام خمینی، احساس درک امت اسلامی را به مسلمانان داد. چهارمین کار بزرگی که امام خمینی، انجام داد، یکی از مرتجع ترین و پلیدترین رژیمهای جهان را از بین برد. پنجم، ایجاد حکومتی بر مبنای اسلام بود، چیزی که به ذهن مسلمانان خطور نمی کرد. ششم ایجاد نضت اسلامی در عالم بود قبل از انقلاب اسلامی. هفتم، نگرش جدید در فقه شیعه بوده است. هشتم، ابطال باورهای غلط در باب اخلاق فردی حکام در دنیا پذیرفته که آن کسانی که در طبقه حکومت و رأس اجتماعات قرار می گیرند، اینها اخلاق فردی خاصی را داشته باشند. نهم، احیای روحیه غرور و خودباوری در ملت ایران است. دهم، اثبات اینکه نه شرقی و نه غربی یک اصل عملی و ممکن است، حال آنکه به تصور دیگران می بایست در اداره کشور یا به شرق متکی بود یا به غرب، هرگز فکر نمی کردند که یک ملت بتواند هم به شرق و هم به غرب «نه» بگوید و در مقابلشان بتواند ایستادگی نماید و هر روز بر قدرت و ثبات خویش بیفزاید.» [۱۳]. امام خمینی (س) اسلام را دوباره به عرصه قدرت کشاند، و از راه گشوده شده توسط ایشان هزار باب تازه گشوده شد، در آینده نیز هزاران باب گشوده خواهد شد. چنانکه امروز مسلمانان جهان، به یمن انقلاب خونین حسین (ع) و به برکت آن انقلاب امام خمینی (س) به مسلمان بودن خود افتخار می کنند. این امر در بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی حضرت آیت الله خامنه ای مشهود است. ایشان در دیدار فرماندان و پرسنل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به معظم له، به مناسبت ولایت

با برکت امام حسین (ع) فرمودند: «... اگر یک نگاهی به امروز بیندازیم، همه چیز بشارت است. اگر امروز به صحنه بین المللی و حضور اسلام در زوایای جوامع گوناگون در اکناف جهان و به ملت‌های مسلمان و به کسانی که تا قبل از انقلاب اگر مسلمان هم بودند، یا توجه به مسلمانی نداشتند، یا اگر توجه داشتند، احساس افتخار نمی کردند - و شاید احيانا احساس سرشکستگی هم می کردند - نگاه کنیم، می بینیم که امروز به مسلمانی خود افتخار می کنند آن هم نه فقط افتخار در عالم ذهنیت و به عنوان احساسات پوچ، بلکه افتخاری که آثاری هم در زندگی آنها به دنبال دارد. آنها امروز دعوی استقلال و تسلط بر امور خود و حاکمیت اسلام را دارند که نمونه های آن را در منطقه بوسنی هرزگوین، چینستان و مناطق گوناگون آفریقا و غیره مشاهده می کنید. این صحنه ها بین المللی است و اینها بشارت است. اینها نشان دهنده یک خیز بلند از سوی اسلام است با یک مجاهدت جانانه و خونین که چنین چیزی هم به وسیله شما، یعنی این امت بزرگ اتفاق افتاد و برای هر ملتی، بالاترین موفقیتها این است که راه او غریب و ناشناخته نماند و ادامه پیدا کند. این بزرگ ترین موفقیت است...» [۱۴]. آری، چنین بود که امام خمینی (س) فرهنگ عاشورا را احیا کرد و به قول شهید دکتر محمد جواد باهنر: «رهبر عالیقدرمان امام خمینی، عاشورای ما را زنده کرد و حسین بن علی را از آن زوایای تاریک تاریخ که گرد و غبار رفتار ناهنجارمان در طول قرون، چهره تابناکش را پشت ابرهای تیره مخفی کرده بود، وارد

صحنه کرد.» [۱۵]. و در آن روزی که خورشید غروب کرد، به قول رهبر معظم انقلاب: «افسوس که برای ما خاکیان از آن آینه بندگان جشن ملکوتی، بارقه تسلائی نمی درخشید و جز اشک دیدگان، نمی بر آتش هجران آن قبله دلها افشانده نمی شد. شور عزا در غم پدر مهربان، معلم دلسوز و مرشد حکیم و دیده بان همیشه بیدار طیب درد و درمان شناس و سروش رحمت خدا بر امت و یادگار انبیا و اولیا در زمین، اهل زمین را می گداخت و غمی بی تسلی بر آن فرومی ریخت. زمان، یگانه خود را از دست داد و زمین گوهری یکدانه را در خود گرفت. پرچمدار بزرگ اسلام پس از عمری مبارک که در راه اعتلای اسلام سپری شده بود، دنیا را وداع کرد و قطب عالم امکان و ولی الله الاعظم ارواحنا فداه در مصیبت خلیفه خود سوگوار شد. راه او راه ما، هدف او هدف ما و رهنمود او مشعل فروزنده ماست.» [۱۶].

پاورقی

- [۱] بخشی از سخنانی شهید حجت الاسلام دکتر محمد جواد باهنر در تاریخ ۲۶ / ۳ / ۵۹. روزنامه رسالت ۲۹ / ۱۱ / ۶۹ ص ۴.
- [۲] شهید ابوالقاسم جواد پاسدار، تاریخ شهادت: ۸ / ۲ / ۶۰، صبح آزادگان ۳۰ / ۵ / ۶۱.
- [۳] روزنامه اطلاعات ۲۴ / ۴ / ۶۸. بخشی از بیانات رهبر معظم انقلاب.
- [۴] شهید مرتضی مطهری: پیرامون انقلاب اسلامی، انتشارات صدرا، ص ۱۲۰.
- [۵] روزنامه جمهوری اسلامی ۲۸ / ۳ / ۷۱: بیانات مقام معظم رهبری.
- [۶] شهید مطهری: حماسه حسینی ج ۱، ص ۱۷۵.
- [۷] روزنامه جمهوری اسلامی ۲ / ۲ / ۶۸.
- [۸] مجله نور دانش شماره ۲ سال ۴۱

شمسی به نقل از کتاب درسی که حسین (ع) به انسانها آموخت ص ۴۴۷.

[۹] بخشی از وصیت نامه شهید ابراهیم اصغری، روزنامه جمهوری اسلامی ۲ / ۱۰ / ۶۷.]

[۱۰] بخشی از وصیت نامه شهید ناصر آشوری، روزنامه جمهوری اسلامی ۱۴ / ۳ / ۶۳.

[۱۱] بخشی از وصیت نامه شهید محمد اسماعیل زاده، روزنامه جمهوری اسلامی ۳۰ / ۴ / ۶۳.

[۱۲] شهید حسین شعبانی، طلبه ای از نظر آباد کرج. روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۴ / ۵ / ۶۵.

[۱۳] مقام معظم رهبری به نقل از کتاب جلوه های نور، ص ۲۶.

[۱۴] مقام معظم رهبری به نقل از روزنامه اطلاعات ۱۸ / ۱۰ / ۷۳.

[۱۵] سخنرانی شهید محمد جواد باهنر به نقل از روزنامه رسالت ۲۹ / ۱۱ / ۶۹.

[۱۶] پیام رهبر معظم انقلاب به مناسبت نخستین سالگرد ارتحال امام خمینی (س) به نقل از کتاب جلوه های نور، ص ۲۸.

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ. ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری

۴. صرفا ارائه محتوای علمی

۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می
نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه
اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

